

بخشی از کتاب

«تئوریا و عقاید دکتر شریعتی»

ماشینیسیم و سرمایه‌داری

آقای شریعتی درباره «ماشینیسیم» در بخش اول کتاب «اسلام‌شناسی» اینطور مینویسد: «در فیلم «عصر صنعت» جارلی چاپلین - این دشمن هوشیار و آگاه آن دوغول وحشی - آن کارگر بیچاره را ندیدید که چگونه در لابلای دنده‌های بیرحم و انسان‌نکش چرخهای ماشین گیر کرد، جان کند و له شد؟ او سمبل این قرن بود و مظهر بزرگی هزاران بار خشن‌تر و زشت‌تر از گذشته درین عصر».

حمله به سرمایه‌داری در ایران از طرف استعمار طبق يك برنامه حساب شده بمنظور انحراف افکار روشنفکران و مردم از مدتها قبل انجام شده و همچنان ادامه دارد. منظور استعمار و ارتجاع این بود و هست که جامعه ایران را بمنوان يك جامعه سرمایه‌داری معرفی کنند و در نتیجه مبارزه اصلی را بجای استعمار متوجه سرمایه‌داری نمایند. چون بررسی فعالیت‌های فکری و تبلیغاتی و سازمانی استعمار و حرایات سیاسی بااستلاح چپ و ملی زمان نهضت نفت درین بازه مستلزم امکانات لازم و فرصت مناسب و هم مستلزم بحث و تحلیل مطول و همه‌جانبه‌ایست باجبار بحث و گفتگو درین زمینه را میگذارم برای فرصت دیگری.

درین سالهای اخیر با ترجمه کتابها و مقالات و مصاحبه‌های روشنفکران بخصوص هنرمندان غربی نوع مبارزه ضد سرمایه‌داری و ضد ماشینیسیم بالا گرفته است. این دسته از روشنفکران اخیر هم بدون حداقل آشنائی با ابتدائی‌ترین مسائل اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناسی و هنری از روی افکار و عقاید روشنفکران و هنرمندان غربی کپی میکنند. این‌ها هم بدون آنکه بشرايط خاص جامعه ایران و خصوصیات مرحله تاریخی جوامع سرمایه‌داری غرب آشنائی و ادراکی داشته باشند در ایران همان مسائلی را طرح میکنند که روشنفکران فرانسوی، امریکائی، انگلیسی و آلمانی طرح کرده‌اند، همان حرفهائی را میزنند که آنها در دهان‌شان گذاشته‌اند، از مشکلات و ناراحتی‌هایی صحبت میکنند که آدم خیال میکند این حرفها را دارد از دهان هنرمندان و روشنفکران غربی می‌شنود.

از دردهایی می‌نالند و از مسائلی رنج می‌برند و از معنویاتی صحبت میکنند که اصولاً در ایران بآن صورت واقعیت خارجی ندارد. اینان از درد خیالی و مسائل خیالی و رنج خیالی رنج می‌برند و وقتی کسی در ذهن خودش از مسائل و جریاناتی موهوم و خیالی رنج ببرد معلوم است که حرفها و اداهایش چقدر مسخره و تهوع‌آور خواهد شد.

بجرات میگویم روشنفکرانی که دربارهٔ مسائل و مشکلات و خطرات «ماشینیسیم» مقاله و مطلب مینویسند و در ادبیات و هنر داد سخن میدهند و آثار هنری و کتابها و مقالات غربی را درین باره ترجمه میکنند اکثریت همین ماشینهای گازوئیلی را بجای صنایع بزرگ و غول آسا گرفته‌اند و اسرار دارند در مقدمهٔ این ترجمه‌ها و در مقالات حداکانه با فراهم کردن زمینه‌های خیالی و واهی، خواننده را در شرایط عینی و واقعی کتاب هرطور شده قرار دهند و این نوع مسائل و حرفها را بخورد او بدهند. اینان در مقدمهٔ ترجمه‌ها و مقالات خود خوانندهٔ ایرانی را که مسائل غرب و حرفهای نویسندگان و هنرمندان آن برایش وجود خارجی ندارد و هیچ صورتی برایش مطرح نیست منتهی به نفهمی و بی‌شعوری و عدم ادراک مینمایند و با کمال وقاحت و بی‌شرمی میگویند روشنفکران و مردم ایران احمق و نادانند و از هنر و مسائل فکری تازه چیزی نمی‌فهمند.

بطور کلی این روشنفکران اغلب کتابها و مقالاتی ترجمه میکنند و حرفهایی را مطرح مینمایند که خودشان هم از آن سردر نمی‌آورند و توجیه و تفسیرهایی از آنها میکنند که بجای حل مسأله آنرا بیشتر پیچیده‌تر و اسرارآمیزتر مینمایند و بعد هم میگویند که اهمیت بعضی از نویسندگان و هنرمندان غربی و کتابهاشان در همین است که آدهای خیلی خیلی هنرمند و مفسران بزرگ و درجهٔ اول هم در ادراک و شناخت آن در مانند.

آقای شریعی هم مثل سایرین تحت تأثیر همین تبلیغات و افکار انحرافی قرار گرفته و از ماشینیسیم بعنوان (ارباب کور و کر و خشن و منجمد و غول وحشی) یاد میکنند. آقای شریعی با تأیید و تبلیغ افکار انحرافی از جریانات انحرافی پیروی کرده بدنیال آن راه می‌افتد. ایشان با تبلیغ و نشر اینگونه افکار انحرافی و غلط ذهن نسل جوان را بیش از پیش منحرف مینماید.

آقای شریعی از کدام «ماشینیسیم» صحبت میکند؟ از کدام «غول وحشی» دانشجویان و مردم را مینرساند؟ در تمام خراسان و کرمان و سیستان و بلوچستان ماشینیسیم یعنی چند کارخانهٔ قند. شاید شما باور نکنید که در تمام سیستان و بلوچستان و حتی کرمان یک کارگاه ریختهگری وجود ندارد و کارگاههای نجاری و آهنگری از آنکستان دست تجاوز نمیکند.

حدود ۸۰٪ جمعیت ایران را روستائیان تشکیل میدهند که با ابزار کشاورزی بسیار ابتدائی با حداکثر کار و زحمت حداقل تولید را بدست می‌آورند و ۲۰٪ بقیهٔ جمعیت ایران را

شهر نشینانی تشکیل میدهند که اکثریت قریب با اتفاق در کارگاههای کوچک دستی و مشاغل خورده بورژوازی با ابزار کار عقب مانده و شیوه های کهنه خود را سرگرم کرده اند .

در کشوری که سنایش محدود است بچند کارخانه مصرفی و کارخانه ذوب آهنش با حداکثر حدود یک میلیون تن در دست ساختمان است از غول وحشی ماشینیسم، صحبت بمیان آوردن ناشی از بی اطلاعی و دور بودن از واقعیت جامعه و سوء نظر است .

هر کسی که بپیر عنوانی و بهر شکلی روشنفکران و مردم آریا با یک امر واهی یعنی غول وحشی ماشینیسم بترساند بدون حرف معترض و خائن است و آب در آسیاب ارتجاع و استعمار میریزد . آقای شریعتی میگوید «ماشینیسم» و «بوروکراسی» اروپا میدانند که من چه میگویم هنوز ما این دو آریاب کور و کر و منجمد و خشن و بیرحم را نمی شناسیم .

درینصورت آقای شریعتی شما میدانید که در ایران هنوز صنعت و ماشین بآن معنی اروپا خیری نیست پس چرا مردم را از غول وحشی ماشینیسم دچار دلهره و ترس میکنند ؟ چه منظوری ازین رعب و وحشت نسل جوان و مردم دارید ؟

چرا مردم را با غول اروپا میترسانید ؟ چرا میگوئید ماشینیسم غول وحشی و آریاب کور و کر انسان است . چرا جامعه تمدن را یکپارچه وحشی و جنایتکار و تمدن امروز را یکپارچه فاسد و منحط معرفی میکنید ؟

جواب همه ی این چراها در نوشته های خود شما وجود دارد برای آنکه شما گذشته را دوست دارید . شما گذشته گرا هستید با سنت و رشد تکنیک در ایران مخالفت با علوم و یانهای ندارید ، تمدن جدید را منحط میدانید و انسان تمدن امروزی را فاسد و حامی لقب بدهید . شما معنویات و اخلاق را در گذشته جستجوی کنید و معتقدید با تمدن جدید، منویات و اخلاقیات و منصب و همه چیز از بین میرود .

شما با این حرفها میخواهید جلو رشد صنایع و علوم را در ایران بگیرید و هرطور شده بی میل نیستید که چوب لای چرخ صنعتی شدن ایران بگذارید و تا آنجا که ممکن است حرکت جامعه را بقب بیا نندازید این سرو سداها و جار و جنجالی که روانشناسان و جامعه شناسان و هنرمندان و بطور کلی گروهی از روشنفکران غربی بر سر ماشینیسم راه انداخته اند بمنظور منحرف کردن روشنفکران و مردم اروپا و امریکا از حقیقت است .

بیماریهای روانی ، فقر ، بیکاری ، استثمار ، استعمار ، فساد ، حنایت ، آدمکشی ، جاسوسی ، و هزاران مشکلات و مصائب و مفاسد دیگر هیچکدام ناشی از ماشینیسم نمیشد . تمام آنها مولود سیستم سرمایهداری و رژیمهای منحط و ارتجاعی است .

ما نباید حرفهایی را که گروهی از روزنامه نگاران ، جامعه شناسان ، اقتصاددانان ، روانشناسان ، هنرمندان و روشنفکران غربی تو دهانمان میگذارند بدون مطالعه و تفکر و بررسی صحت و

سقم آن، آنها را تکرار کنیم. آنها کوشش دارند مردم بقبولانند که تمامی بدبختیها، و انحطاطها، مفاسد، ردائل اخلاقی، بدیها، زشتیها، جنگها، آدمکشیها، ناشی از تکنیک و علوم است. آیا ما باید این حرفها را قبول کنیم؟

آنها میخواهند نظر مردم را از سیستم و رژیم سرمایه‌داری که مالک ماشین و اداره‌کننده و صاحب اختیار آن است منحرف نمایند آیا ما باید با پذیرش و ترویج این نظریات غلط و انحرافی به آنها کمک کنیم؟

آیا ما بجای روشن کردن اذهان و نشان دادن دشمن حقیقی و سبب اصلی با تأیید آنها باید مردم را گمراه نمائیم؟

حوامع سرمایه‌داری غرب با تبلیغات وسیع و دامنه‌داری که صورتهای مختلف انجام میگیرد سعی دارند ماشین را بعنوان سبب و عامل فقر، استثمار، استعمار، بیکاری، بیماری، بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و تمامی ناراحتیها و انحطاطها و مشکلات مرفی نمایند. سیستم ماشین بواقع دارای چه خصائص و امتیازاتی است و چه نوع امکاناتی در اختیار انسان میگذارد و چه تغییراتی در زندگی ما بوجود میآورد.

الف - ماشین از رنج و زحمت انسان میگذرد.

ب - سطح تولید را بطرز شگفت‌انگیزی بالا میبرد.

پ - تولید را متنوع و هر روز سدها و هزارها نوع کالای جدید تولید میکند.

ج - ساعات کار را تقلیل میدهد.

ح - علوم و دانش بشری را رشد میدهد.

د - تمدن نوینی با خود میآورد.

و - موجب رشد فکری و بسط تمدن میگردد.

ژ - سیستمهای اجتماعی کهنه و افکار و عقاید ارتجاعی و خرافی را نفی میکند.

ذ - امکانات بیشتری در اختیار طبقات و نیروهای نوین جامعه میگذارد.

ک - بهداشت عمومی را توسعه و تمهیم میدهد.

گ - آموزش و پرورش را اجباری و بسط و توسعه میدهد.

ل - برای زن‌ها فعالیت اقتصادی و کار مادی و مزد مساوی و حقوق اجتماعی و سیاسی مساوی با مردها فراهم میکند.

م - فرصت بیشتری برای آموزشهای علمی و کارهای هنری و مطالعه و تفریح در اختیار انسان میگذارد. فکر میکنم همین موارد اساسی برای بی بردن با اهمیت ماشین کافی باشد و متوجه باشیم که ماشین چه امکاناتی در اختیار ما میگذارد و چه تغییراتی در زندگی ما ایجاد میکند و چگونه زندگی را بطرف تکامل و رشد و ترقی و خیر و برکت سوق میدهد.

آقای شریعتی ضمن معرفی جامعه سرمایه داری بعنوان يك نظام وحشی و مهیب اینطور مینویسد (آن کارگر بیچاره را ندیدید که چگونه در لابلای دنده های بیرحم و انسانکش چرخهای ماشین گیر کرد، جان کند و له شد؟ او سمبل انسانیت این قرن بود و مظهر بربردی هزاران بارخشن تر و زشت تر از گذشته در این عصر .

آقای شریعتی درین جا هم ضمن دفاع از گذشته و تأیید نظام های اجتماعی کهنه، جامعه سرمایه داری را يك امر کلمی گرفته و بشدت بآن حمله میکند و بایدترین فحش ها آنرا توصیف مینماید. آقای شریعتی بعلمت گذشته گرایان و افکار ارتجاعی کوشش دارد جامعه سرمایه داری را هزاران بارخشن تر و زشت تر و وحشی و مهیب معرفی نماید. ایشان نمیخواهد با ایجاد وحشت و ترساندن نسل جوان و مردم ازین غول وحشی مانع صنعتی شدن و رشد سرمایه داری در ایران گردد؟

برای شناخت صحیح و علمی نسبت به جامعه سرمایه داری لازم میدانم بعضی جنبه های این نظام اجتماعی را معرفی نمایم. در خط سیر حرکت تکاملی جامعه، سیستم سرمایه داری يك مرحله تاریخی است که بانفی فئودالیسم بجای آن در کشورهایمانند انگلستان، فرانسه، هلند، بلژیک، آلمان، ایتالیا و... مستقر شده است. بعد از تسلط استعمار بر کشورهای آسیائی و افریقائی و امریکای لاتین نحوه استقرار سرمایه داری درین کشورها به خاطر شرایط و احوال و شیوه های مبارزاتی جداگانه و بعلمت تسلط استعمار و فئودالیسم، با آنچه در اروپای غربی انجام گرفته متفاوت است.

بطور کلی استقرار جامعه سرمایه داری چه در غرب و چه در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره يك مرحله تاریخی نوین و يك گام بطرف ترقی و تکامل است. چرا سرمایه داری مترقی و متکامل است؟ برای آنکه در سیستم سرمایه داری:

- ۱ - نیروهای تولیدی بطرز غیر قابل تصویری رشد کرده است.
- ۲ - تولید بطرز شگفت انگیزی متنوع و هر روز افزایش مییابد.
- ۳ - رفاه نسبی و عمومی بیشتر شده است.
- ۴ - بیماریهایی مانند وبا، طاعون، مالاریا، آبله و... تقریباً ریشه کن شده است.
- ۵ - طب پیشگیری و بهداشت عمومی و دکتر و بیمارستان و دارو عمومیت بیشتری یافته و از مرگ و میر انسان و درد ورنج او تا حدود بسیار زیادی کاسته است.
- ۶ - تعلیمات عمومی اجباری شده و تقریباً تمامی مردم کشورهای سرمایه داری از حداقل سواد بهره مندند.
- ۷ - علوم و دانش بشری درین زمان کوتاه بمراتب خیلی بیشتر از تمامی دوران زندگی انسان توسعه یافته است.

۸ - با رشد تکنولوژی و علوم ، انسان بر طبیعت مسلط شده است .
۹ - با شناخت پدیده‌های اجتماعی انسان در جهت رهبری و اداره و تسلط بر جامعه
بموقعیتهای بسیار مهم و شایانی رسیده است .
۱۰ - از رنج و زحمت انسان کاسته شده و فرصتهای بیشتری در اختیار او قرار
گرفته است .

۱۱ - حقوق اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی انسان گسترش یافته است .
۱۲ - آزادیهای فکری و عقیدتی ، مذهبی ، صنفی ، سیاسی ، اجتماعی و بطور کلی
آزادیهای انسان تا حدودی تأمین و توسعه یافته است .

۱۳ - طبقات محکوم و مخالف ، امکانات بیشتری برای بهتر کردن و تغییر دادن زندگی
و کسب قدرت بدست آورده‌اند . من اگر بخواهم امتیازات و کارهای شکر فنی که سرمایه داری
انجام داده است منظم کنم و حق مطلب را ادا نعایم لازم است کتابی جداگانه نوشته شود . کافی
است شما آقای شریعی یک نگاه سطحی بدور ویر خودتان از دانشکده تا خانه بیا ندرید تا ببینید
که آنچه دارید تمام محصول سرمایه داری است .

لباس ظریف و شبک شما ، ماشین شما ، آرایش موینان ، سلامتان ، استحمام هر روزه یا
هفته شما ، شهر شما و خیابان و اسفالت خانه نادانشکده شما ، کره و شیر پاستوریزه و ناهار و شامی
که بافت و گاز تهیه میشود صندلی و مبلی که روی آن می‌نشینید و برقی که از آن استفاده
می‌کنید و رادیو و تلفن و خودکار و خود نویس شما تماماً محصول سرمایه داری است .
ساختمان دانشکده و شوقاژ و برق آن و کاغذ و چاپ و وجود دانشکده و تحصیلات شما و
زبان خارجی شما و آشنائی شما با شخصیت‌های غربی و کتابهای آنها همه محصول سرمایه داری
میباشد .

من درین جا سرمایه داری را کلی در نظر گرفته‌ام ، در حالیکه سرمایه داری قبل از رسیدن
بقدرت و بعد از گرفتن حکومت تا رسیدن با امپریالیسم بعلمت رشد نیروهای تولیدی و اقتصادیات
و بسط آزادیهای اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و گسترش علوم و فرهنگ و دانش بشری و
مخالفت با زندگی کهنه و میراث گذشته و مبارزه با نیروهای عقب مانده و مترجع از هر لحاظ
انقلابی و مترقی است .

بنا بر این باید کلی باقی را کنار بگذاریم و سرمایه داری را در مراحل مختلف در نظر
نگیریم و سرمایه داری را فقط امپریالیسم غربی معرفی نکنیم . ما باید سرمایه داری را در
شرایط و احوال خاص کشورهای مختلف بررسی کنیم و در مورد کشور خودمان باید بحای الگو
سازی و کپی بردن از جامعه غربی بدنبال شناخت شرایط و احوال جامعه ایران باشیم و ببینیم که
سرمایه داری در ایران اکنون در چه شرایطی است ، چه وضعی دارد ، موقعیت آن چگونه
است ، جنبه های مترقی آن چیست و جنبه های ارتجاعی آن کدام است .

امکانات سرمایه داری ایران تا چه حدی است ، نیروهای موافق و مخالف کدامند ، چه

نیروهای خارجی و داخلی بارشد آن مخالفت و جلوش را سد میکنند و چه نیروهایی در داخل و خارج برشد و پیشرفت آن کمک میدهند و علل مخالفت و جلو گیری و موافقت و کمک نیروهای داخلی و خارجی کدامند .

در این مسائل باید بخوبی از طریق مطالعه و بررسی علمی جامعه ایران حل و روشن شود تا سمتی که بطرف ترقی و تکامل و پیشرفت و پیروزی است انتخاب گردد .

بواقع آیا رشد صنعت و سرمایه داری در ایران بسود کشور است یا بزیان آن ؟
خط سیر حکومت سرمایه داری بکدام سمت است و سرمایه داری ایران چگونه سرمایه داری است. آیا باید سرمایه داری را در ایران تأیید و کمک نمود یا برعکس باید با آن مخالفت و مبارزه کرد. خودم را میگویم من در شرایط موجود با صنعتی شدن ایران و استقرار و تحکیم صنایع سنگین و رشد سرمایه داری بویژه سرمایه داری ملی کاملاً موافقم و آنرا گامی بجلو و در جهت ترقی و پیشرفت و پیروزی می بینم. با توجه به جنبه های متری و امتیازات و پیشرفتهای مهم و اساسی سرمایه داری نسبت به جوامع گذشته و آزادیهای مختلفی که طبقه کارگر در زمینه های اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی کسب میکند بهتر پی میبریم که نظر آقای شریعتی مبتنی بر اینکه کارگری که در لابلای دنده های بیرحم و انسانکش چرخهای ماشین گیر کرد جان کند و له شد سبب انسانیت این قرن، بود و مظهر بردگی هزاران بارخشن تر و زشت تر از گذشته درین عصر تا چه حدی بی اساس و مغرضانه و عاری از حقیقت است .

استاد

مهرت؟ ترکه ارا؟

دعای در اول تیر
نقد است

شما آقای شریعتی برده ای که از تمامی حقوق محروم است و زندگی اش بمراتب پایین تر و بدتر از یک حیوان قرار دارد چگونه با زندگی کارگر مقایسه میکنید و بعد هم میگوئید هزاران بارخشن تر و زشت تر از گذشته است .

مگر نمیدانید که برده دار حق داشت برده را بکشد ، بسوزاند ، کتک بزند ، زندان کند و بفروشد ؟

مگر نمیدانید که برده حق ازدواج ، حق فرزند ، حق سکونت ، حق تملک حتی بر جان خود را نداشت ؟

مگر نمیدانید که در دوره بردگی اصولاً استثمار و بیگاری مطرح نیست. برده تا جان و توانائی داشت میبایست آنقدر برای صاحبش کار کند تا بمیرد ؟

در صورتیکه کارگر در جامعه سرمایه داری از تمام حقوقی که برده و رعیت محروم است بهره مند است و سرمایه دار فقط میتواند او را استثمار کند .

علی اکبر اکبری